«یك قهرمان» به روایت فرهادی

اصغر فرهادی، تازه‌ترین فیلم سینمایی خود را با عنوان «یك قهرمان» در شیراز خواهد ساخت. به گزارش مهر و به نقل از ددلاین، این پروژه فارسی زبان از دو ماه دیگر وارد مرحله پیش تولید می‌شود و قرار است تابستان در شیراز فیلمبرداری شود. موسسه بین‌المللی ممنتو فیلمز هفته آینده فیلمنامه این فیلم را در بخش بازار برلیناله ارائه می‌کند. هنوز از جزئیات پلات این فیلم اطلاعاتی ارائه نشده اما این کارگردان پس از ساخت فیلمی با بازی پنه‌لوپه کروز و خاویر باردم با عنوان «همه می‌دانند» بار دیگر به سرزمین مادری‌اش و زبان فارسی بازمی‌گردد. این سایت افزود: آن طور که شنیده‌ایم این فیلم درامی پرتعلیق خواهد بود و این کارگردان قرار است با بازیگران مشهور ایرانی که قبلاً با آنها همکاری نکرده، در این فیلم همکاری کند. تهیه‌کنندگان این فیلم فرهادی و الکساندر ماله‌گی از کمپانی ممنتو فیلمز خواهند بود. این کمپانی تهیه سه فیلم آخر فرهادی را به عهده داشته و علاوه بر آن مسؤول اکران فیلم در فرانسه نیز است.

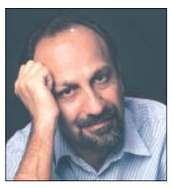

ویژه جشنواره فیلم فجر

تصویری از هیات داوران در اختتامیه فیلم فجر/ عکس: جاوش همایوندی

ز سیمرغ

ه، به برخی حاشیه‌ها و بازتاب‌های این رویداد پرداخته‌ایم

اما برخی انتقاد دارند که
ادی مثل جشنواره فیلم
نمی‌کردند و به آنها سیمرغ
ا و اعلام نامزدها نامشان را
را آنقدر پیچیده شد که ما
ط چه اتفاقی افتاد، اگر شما
به ما هم بگویید!
حمدحسین مهدویان به
ت داوران سیمرغ بهترین
ردان جوان و زیرك سینما
یزه‌اش را به تمام پدران
یم کرد. با این همه اما
ت جان سالم به در نبرد. او
اقعه شیمیایی سردشت
وان عامل اصلی جنایت یا
ی کشور که جنگ تحمیلی
داده، دیده نمی‌شود. برخی
بود که چرا مهدویان برای
ن سیمرغ نگرفت اما حالا
جای جنایتکار اصلی در آن
گیرد.
ه فیلم فجر صندلی عوامل
ن هم در حالی که هیات

داوران این فیلم را در ۹ شاخه نامزد دریافت سیمرغ کرده بودند. حرف و حدیث سر نیامدن عوامل «روز صفر» زیاد بود. بعضی‌ها می‌گفتند در اعتراض به نامزد نشدن ساعد سهیلی برای نامزدی در بهترین نقش مکمل مرد است که همگی‌شان نیامدند! بعضی دیگر می‌گفتند ناراحت شدند که چرا فقط در ۹ رشته نامزد سیمرغ شدند و.... اما و اگر زیاد بود تا این‌که خود عوامل «روز صفر» در بیانیه‌ای علت تصمیم‌شان را اعلام کردند. در این بیانیه گفته شده که: «خواستیم در کنار مدیران فرهنگی قرار نگیریم که اصرار بر جا انداختن مسیری دارند که شایسته سینمای ایران نیست؛ مسیری که پر از باج‌دهی و تکریم کسانی است که با پنجه کشیدن به صورت سینما باعث منفور شدن همکاران سینمایی، نزد مردم می‌شوند.»

از متن بیانیه مشخص بود که عوامل روز صفر می‌دانستند پنج سیمرغ را گرفته‌اند اما باز هم نیامده‌اند، شاید بتوان حق داد به آنهایی که می‌گویند روز صفر سیمرغ‌های بیشتری می‌خواسته و قهر کرده است. شاید هم بتوان به عوامل این فیلم حق داد؛ فیلمی که بهترین اثر در بخش نگاه ملی است و سراغ اتفاقی رفته که اهمیت بسیاری از نگاه ملی دارد.

ناکام بزرگ

جواد عزتی احتمالا مهم‌ترین ناکام جشنواره فیلم فجر امسال باشد، او که در سال‌های اخیر به بازیگری پرکار و موفق در سینمای ایران تبدیل شده و قابلیت بازی در نقش‌های کمیك و جدی را دارد، امسال با پنج فیلم شنای پروانه، خورشید، آتابای، دوزیست و مغز استخوان، پرکارترین چهره جشنواره بود و بازی‌های سختی را هم در فضاهای مختلف تجربه کرد، به‌ویژه بازی‌اش در شنای پروانه و آتابای، بیشتر به چشم آمد و برای این دومی نامزد دریافت سیمرغ نقش مکمل مرد هم بود. خیلی‌ها فکر می‌کردند عزتی بالاخره در این روند رو به رشد و بعد از ناکامی سال قبل و نگرفتن جایزه به خاطر ماجرای نیمروز: رد خون، امسال دیگر دستش به سیمرغ می‌رسید، اما امیر آقایی همان‌طور که در نقش برادرش در شنای پروانه به کاراکتر عزتی ضربه زده بود، اینجا هم ناخواسته طعم عزتی را تلخ کرد و باعث شد جواد عزتی ناکام بزرگ امسال لقب بگیرد.

دستاوردهای فرمی

گونه سینمایی هنوز در سینمای ایران مورد کم‌محلی و بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد، با این حال خوشبختانه در برخی فیلم‌های سینمایی این دوره جشنواره، فیلمسازان سراغ تجربه کردن فضاهای جدید و فیلمسازی در قالب ژانر رفتند یا دست‌کم به دستاوردهای فنی و ساختاری تازه‌ای در مختصات سینمای ایران رسیدند. آن شب ساخته کوروش آهاری، تجربه‌ای تازه در ژانر ترسناك بود و اگر ضعف فیلمنامه را به‌ویژه در بخش‌های پایانی کنار بگذاریم، در ایجاد فضا و موقعیت‌های وحشت، تا حدودی موفق عمل کرد. روز صفر ساخته سعید ملکان با وجود برخی کم و کاستی‌ها، تجربه خوبی در ژانر تریلر بود و نتیجه، فیلمی خوش‌ریتم و ملتهب و جذاب با صحنه‌های به لحاظ فنی تقریبا قابل قبول از آب درآمد. روز صفر از آن فیلم‌هایی است که سینمای ایران به آن نیاز دارد. درخت گردو ساخته محمدحسین مهدویان، از سه شیوه بصری در فیلمبرداری استفاده کرده و فیلمبرداری آن ترکیبی از دیجیتال، ۱۶ و ۳۵ میلیمتری بود. فیلم سیاه و سفید تعارض ساخته محمدرضا لطفی، تجربیات خوبی در فیلمبرداری و تدوین داشت و فرم و محتوای فیلم هماهنگ به نظر می‌رسید. برادران ارك در پوست، آن حال و هوایی را که پیشتر در فیلم کوتاهشان حیوان تجربه کرده بودند، به شکل کامل‌تری با فضایی افسانه‌ای ترکیب کردند و به نتیجه درخشانی رسیدند. آتابای ساخته نیکی کریمی و با فیلمنامه هادی حجازی‌فر هم تجربه تازه‌ای در سینمای مدرن ایران بود.

پشت صحنه فیلم «روز صفر»

محتوا

تمرکز اصلی فیلم‌های امسال جشنواره، تقریبا به سیاق این چند سال اخیر، روی طرح مسائل و مشکلات اجتماعی بود و شاهد اشاره به برخی آسیب‌ها در فیلم‌ها و در قالب فیلم‌هایی رئال و واقع‌نما بودیم، اما این طرح موضوع، عمدتا در فضایی تلخ و سیاه اتفاق افتاد، فیلم‌هایی چون سه کام حبس، مغز استخوان، پدران و من می‌ترسم، از این دست هستند. بحث کودکان کار به بهترین شکل در خورشید ساخته مجید مجیدی، مطرح شد. روز بلوا ساخته بهروز شعیبی، به موضوع روز مفاسد اقتصادی، رانت‌خواری، پولشویی و کلاهبرداری برخی موسسات مالی و اعتباری اشاره کرد. قصیده گاو سفید ساخته بهتاش صناعی‌ها بحث خطای انسانی و نقش و تبعات آن را در زندگی افراد پیش کشید. بهرنگ دزفولی‌زاده، سراغ قشر کمتر بها داده شده چون ناشنوایان و افراد ناگویا رفت و مساله کاشت حلزون را مطرح کرد که مردم کمتر از آن اطلاع دارند. عباس امینی در کشتارگاه، بحث پشت پرده و زدوبندهای نوسانات دلار و نقش مخرب آن در زندگی مردم را مطرح کرد. شنای پروانه ساخته محمد کارت هم سراغ دارودسته‌های خلافکار جنوب شهر و مناسبات‌شان رفت و به تهدیدها و آسیب‌های آنها در جامعه اشاره کرد.

اما نکته قابل اشاره، فقر سینمای ایران و جشنواره فیلم فجر در زمینه فیلم‌های انقلاب و دفاع مقدس و مقاومت بود؛ شاخص‌ترین فیلم در این زمینه آبادان یازده ۶۰ ساخته مهرداد خوشبخت بود که به اوایل جنگ می‌پرداخت. فیلم روز صفر هم بحث مقابله با تروریست و امنیت ملی را مطرح می‌کرد که در این مجموعه جا می‌گیرد. لباس شخصی ساخته امیرعباس ربیعی هم سراغ روایتی از سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و حوادث مرتبط با آن رفت. ابراهیم حاتمی‌کیا هم که علقه‌ای دیرینه با جبهه و جنگ و شهادت دارد، حتی در فیلمی اجتماعی و امروزی مثل خروج هم در حد اقتضای قصه به این موضوع اشاره کرد و شخصیت رحمت بخشی (فرامرز قریبیان) اهل جبهه و جنگ بود و حتی پسرش نیز در راه دفاع از وطن، به شهادت رسید.

یکی از نقدهای محتوایی در این دوره از جشنواره، به فیلم و فیلمنامه درخت گردو ساخته مهدویان وارد شد؛ این فیلم اگرچه به دلیل پرداختن به بمباران شیمیایی سردشت و اشاره به فاجعه حلبچه در بخشی از قصه، واجد اشاره و ارزش است، اما به دلیل این‌که سخنی از منشا و مقصر اصلی این فاجعه یعنی صدام، دیکتاتور وقت عراق به میان نیامد و به مسبب اصلی این جنایات اشاره نکرد، جای نقد و بررسی دارد. این نقد به هیات داوران هم وارد است که چطور برای این بی‌اعتنایی، جایزه سیمرغ بهترین کارگردانی را هم به فیلم اهدا می‌کنند.

نمایی از فیلم «کشتارگاه»

به سلامتی ناسلامتی!

یکی از موارد شایع جشنواره اخیر فیلم فجر، نمایش برخی موارد تابو و ممنوعه در فیلم‌ها بود که سوال‌هایی جدی را در باب کنترل و نظارت و صدور پروانه ساخت و نمایش مطرح می‌کند. درست است که برای نمایش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی، گاهی لاجرم باید اشاراتی به خطوط قرمز داشت، اما نمایش بی پرده آنها نباید تبدیل به روال شود. شنای پروانه، آتابای، تومان، آبادان یازده ۶۰، آن شب، دوزیست، سینما شهرقصه و خون شد از جمله فیلم‌هایی بودند که صحنه‌های عرق خوری داشتند یا به شکل واضحی در این مورد و از طریق دیالوگ و رفتار بازیگر کد می‌دادند، در حالی که می‌شد دست کم نمایش صحنه‌ها طور دیگری باشد و صرفا با اثرات آن در شخصیت‌ها مواجه باشیم. لمس بازیگران زن و مرد هم در چند فیلم و هم از دیگر موارد قابل اشاره است که مسؤولان سینمایی و افرادی که در صدور مجوز به فیلم‌ها نقش دارند، باید در این زمینه پاسخگو باشند. به جز اینها برخی سوژه‌ها هم گرچه بار دراماتیك دارند و شاید برای تماشاگران کنجکاوی برانگیز باشند، اما به بحث‌های ملتهب و ممنوعه دیگری راه می‌دهند، به عنوان نمونه ایده‌ای که مغز استخوان سراغ آن می‌رود.

زنی است که شوهرش به اشتباه اعدام شده. مینای این فیلم زنی است محکم که سختی‌های زیادی می‌کشد، اما امیدش را از دست نمی‌دهد، عاشق می‌شود، اما باز تعقلش بر احساسش حاکم است.

پریناز ایزدیار در «مغز استخوان» در نقش مادری است که بین دو راهی سختی قرار می‌گیرد. شاید برای کسانی‌که بیرون گود نشسته اند انتخاب آسان باشد، اما برای بهار این چنین نیست. او انتخاب می‌کند؛ انتخابی که شاید به زعم برخی‌ها توهینی باشد به مادران ایرانی، اما آیا واقعا کسی جای این مادر بوده که ببیند در چنین موقعیتی برای نجات جان فرزندش چه می‌کند!

فاطمه معتمدآریا در «عامه پسند» زنی است که می‌خواهد مستقل باشد و مبارزه کند، اما به عنوان زنی که سال‌ها از سوی همسر و حتی پسرش تحقیر شده ضعف‌های شخصیتی ای دارد که این ضعف‌ها به علاوه موانع فرهنگی و اجتماعی، مانع راهش می‌شود.

«شنای پروانه» به لحاظ روایت، فیلمی مردمحور است؛ اما تمام قصه سر پروانه و پروانه‌هاست. پروانه‌هایی که در تله‌هایی ترسناك گرفتار می‌شوند، اما تلاش می‌کنند محکم سرپا بایستند و از این به ظاهر ناموس‌پرستی همسرانشان جان سالم به در ببرند. وحشت و درماندگی چشم‌های پروانه با بازی طناز طباطبایی در این فیلم را بی شك در چشمان خیلی از زنان این سرزمین می‌توان دید.

در «ابر بارانش گرفته» سارا با بازی نازنین احمدی در نقش پرستاری است که به کار خود عشق می‌ورزد و عاشقانه از بیمارهایش نگه‌داری می‌کند. البته او خودش را همچون فرشته‌ای می‌داند که وظیفه نگهداری از بیماران را دارد و از آن طرف هر زمان که تصمیم بگیرد تبدیل به فرشته مرگ می‌شود و بیماران دردکشیده را خلاص می‌کند.

در «دشمنان» زهره با بازی رویا افشار به عنوان مادر خانواده روایتگر شخصیت زنی پا به سن گذاشته به شدت روان پریش است. او آرایشگر است و منزلش را محل نگهداری گربه‌ها کرده و آشوب زدگی به شدت در او بیداد می‌کند.

نگاه

انفعال اهرم‌های نظارتی

سعید الهی، کارشناس فرهنگ و رسانه با اشاره به ماهیت برگزاری جشنواره‌های فیلم فجر در طول چهار دهه گذشته گفت: جشنواره‌ها ظرفیتی رقابتی برای جلب مشارکت جامعه مخاطبان خود به موضوعات مدنظر آن رویداد است، لذا حرکت در مسیر اهداف و راهبردهای از پیش تعیین شده از ضروریات برگزاری جشنواره‌های ملی و موضوعی به‌شمار می‌آید. او ادامه داد: این اهداف می‌تواند هم موجب نشاط بخشی عمومی در کشور شود و هم سیاست‌های متولیان آن رویداد و به طور مشخص جشنواره فیلم فجر را تامین کند.

الهی در ادامه این سخنان از مدیران سینمایی پرسید: با این شرایط آیا بعد از گذشت ۳۸ دوره، جشنواره هنری مهمی که عنوان فجر انقلاب را با خود همراه دارد به‌راستی در جهت تحقق اهداف اولیه خود در حال حرکت است؟ با وجود برخی محتواها و مضامین چالش برانگیز و ابهام آمیز در فیلم‌ها که حتی گه‌گاه با اهداف دینی، اخلاقی، انقلابی و ایدئولوژیك جشنواره منافات جدی دارد، آیا می‌توان ادعا کرد جشنواره فیلم فجر به عنوان بستری برای نمایش مهم‌ترین تولیدات سینمای کشور، یك رویداد متناسب با راهبردهای انقلاب اسلامی است؟

این مدرس دانشگاه اظهار کرد: اگرچه حضور داوطلبانه و تجمیع نسل‌های مختلف از سینماگران کشور و نیز وجود گونه‌های مختلف سینمایی و حتی توزیع مناسب جوایز بین آثار برجسته را می‌توان از محاسن جشنواره امسال دانست، اما نگرانی از بابت حضور برخی فیلم‌های مساله دار را نمی‌توان کتمان کرد.

الهی توضیح داد: بضاعت توانمندی سینمای ایران در انواع جشنواره‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لذا چنانچه ضعفی در ساختار فرمیك آثار تولیدی مشاهده می‌شود انتظار می‌رود که مدیران مربوطه در دولت و حتی خانه سینما با رصد و تحلیل دقیق محصولات، نسبت به آموزش داخلی و بهره گیری فیلمسازان از تجربه‌های جهانی جهت ارتقای فنی افراد اقدام کنند.

وی افزود: مدیران سینمایی باید علاوه بر تشریح نیازهای مفهومی جامعه، نحوه بیان مشکلات و تلخی‌های موجود را ابتدا از طریق تعامل تبیین کرده یا در صورت ضرورت برای حفظ امنیت و بهداشت روانی خانواده‌ها و سایر مخاطبان از اهرم‌های نظارتی خود استفاده کنند.

از مجموع فیلم‌های به نمایش درآمده، تنها تعداد انگشت شماری در قالب موضوعات راهبردی اعم از دفاع مقدس و مقاومت، تاریخ انقلاب، فساد اقتصادی و تروریسم و البته با ساختاری متوسط ارائه شد که اغلب آنها نیز با حمایت بخش خصوصی و دستگاه‌هایی غیر از وزارت ارشاد تولید شده بودند. او اضافه کرد: در دسته بندی آثار جشنواره امسال، اکثریت فیلم‌ها با سوژه‌های اجتماعی به نمایش گذاشته شدند و طبیعی است که فیلمساز از بستر جامعه برای تولید خود الگو بگیرد اما سوال اینجاست آیا جامعه مسلمان ایران در تمام سطوح پر از سیاهی و تلخی است که آثار تصویری ما نیز به این حد حاوی انواع پلشتی‌ها و احساس ناامیدی و رنج و سختی است؟ او با اشاره به نام چند فیلم با همین مضمون خاطرنشان کرد: مهم‌ترین موضوع چالش برانگیز در بسیاری از فیلم‌های اجتماعی امسال قرار دادن مخاطب ایرانی در میانه شرع و فقه و دین با تفکرات انسان گرایانه منشعب از مکاتب اومانیستی و لیبرالیستی است و این جفای بزرگی در حق نسل جوان و پویای کشور به حساب می‌آید که جویای راه درست است.

این کارشناس فرهنگی گفت: نگاه اباحه گرانه و عادی سازی و قبح زدایی از برخی رفتارهای غیرعرفی و غیرشرعی همچون مصرف مشروبات الکلی در حدود هفت فیلم امسال یا روابط نامتعارف بین مرد و زن و لمس نامحرم در تعداد کثیری از آثار با چه هدفی صورت می‌گیرد که متاسفانه مدیران نظارتی سازمان سینمایی نیز با انفعال خود آن را همراهی می‌کنند؟

او یادآور شد: رجعت به سمت فیلمفارسی‌های دهه ۵۰ با هیچ عقل سلیم و نگاه توسعه محوری سنخیت ندارد و در زمان اکران عمومی ساحت سینمای پاك و مقدس ایران را مخدوش می‌کند.

الهی از تصمیم گیرندگان حوزه فرهنگ و هنر خواست با اتکا به قوانین موجود و چشم‌انداز مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نسبت به جایگاه سازمانی و تشکیلاتی خود وفادار مانده و فارغ از فضاسازی‌های کذایی توسط برخی از هنرمندان غیرانقلابی و غیرمتعهد در راه اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی گام بردارند.

الهی:
آیا می‌توان ادعا کرد جشنواره فیلم فجر به عنوان بستری برای نمایش مهم‌ترین تولیدات سینمای کشور، یك رویداد متناسب با راهبردهای انقلاب اسلامی است؟